

اشعاری نویافته از منجیک ترمذی

احسان شواربی مقدم

شده است. البته در تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین نوشته تقی الدین اوحدی بلیانی نیز ابیاتی تازه از منجیک وجود دارد که برخی از آنها در جنگ ۵۳-د نیز آمده است و در این مقاله به آنها نیز اشاره می‌شود. همچنین در این جنگ و سایر منابع بررسی شده توسط نگارنده، از دیگر اشعار منجیک نیز ضبط‌هایی بعضاً تازه به دست آمده که در اصل کتاب دیوان منجیک ترمذی^۴ مورد توجه بوده‌اند اما در این سطور به ذکر ابیات نویافته از جنگ مذکور و ابیات تازه مشترک در آن جنگ و تذکره عرفات العاشقین بسنده شده است.

ابیات ذیل چند شعر پیوسته از منجیک در جنگ ۵۳-د است:

ای آنکه به فضل تو کسی نیست ترا جفت
مدحت نکنم زانکه ندانم بسزا گفت
منجیک چو گوزی بود از رنگی شد (?)
از علت بسیار بی‌ژمرد و فروخفت
چون آمدنت این فلک دولت (?) بشنیده^۵
چون پیل به جامه اندر فریبی شد و بشکفت

(جنگ ۵۳-د، ص ۴۴)

ای شاه‌گیر و خسرو بند و سپاه‌کش
ای ابرکش (?) و آتش تیغ و هزیرفش
دو چیز تو همیشه ز دو چیز خالیست
جود تو از تمامی، تیغ تو از دهش
میدان است بزمگاهت و خون عدو شراب
تیغ آینه است و شیهه اسبان سماع خوش
چون خیل تو بر آید زیر سلاح و گرد
گفتی همی بخندد بر خویشتن حبش

(جنگ ۵۳-د، ص ۴۳۸)

بامدادست و هوا کوی حیب^۶ است به جوش
ابر تاریک برآمد [به] یمن روشن کوش (?)
گاه رطل است بیا بنشین تا رطل ز نیم
شاد باشیم بدان خرگهی دیباپوش

ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از شعرای نیمه دوم سده چهارم هجری است. منجیک از مداحان شاهان چغانی (آل محتاج) بوده و ابوالمظفر فخرالدوله احمد بن محمد چغانی و ابویحیی طاهر بن فضل چغانی (مقتول به سال ۳۸۱ هـ) از ممدوحین وی بوده‌اند. در حال حاضر مانند بسیاری از معاصران او، نسخه کاملی از دیوان وی در دست نیست و تنها ابیات مختصری از او در تذکره‌ها، فرهنگ‌ها، جنگ‌ها و کتب بلاغی باقی مانده است. نخستین کوشش‌ها را برای بازیابی اشعار متقدمین، از جمله منجیک، دکتر محمد دبیرسیاقی در دو کتاب گنج بازیافته (تهران: ۱۳۳۴) و پیشاهنگان شعر پارسی (تهران: ۱۳۵۱) و ژیلبر لازار در کتاب اشعار پراکنده قدیمی ترین شعرای فارسی زبان (تهران: ۱۳۴۱) صورت داده‌اند. سپس احمد اداره چی گیلانی در کتاب شاعران هم عصر رودکی (تهران: ۱۳۷۰) و دکتر محمود مدبری در کتاب شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳، ۴، ۵ هجری قمری (تهران: ۱۳۷۰) به گردآوری این اشعار پرداختند که در کتاب دکتر مدبری ۳۲۶ بیت از منجیک آمده است (مدبری، ۱۳۷۰: ۲۱۸-۲۵۱). همچنین در این کتاب، قصیده‌ای هفت‌بیتی از منجیک به استناد ترجمان البلاغه^۱ به نام حسین ایلاقی ثبت شده است. سپس دکتر علی اشرف صادقی در مقاله‌ای به نام «اشعار تازه‌ای از منجیک» در جشن‌نامه استاد عبدالمحمد آیتی (تهران: ۱۳۸۸) ۲۵ بیت تازه از منجیک را که در کتاب دکتر مدبری نیامده بود، جمع‌آوری و منتشر کرد.

در مقاله حاضر، تعدادی دیگر از اشعار نویافته منجیک که در طی پژوهش‌های نگارنده برای بازیابی اشعار این شاعر و بازسازی دیوان او، در یکی از منابع خطی (جنگ ۵۳ دانشکده ادبیات)^۲ به دست آمده است، ارائه می‌گردد. البته به جز این اشعار، ابیات تازه دیگری نیز از منجیک به صورت پراکنده و گاه پیوسته، در چند منبع دیگر یافت شده، اما به سبب اهمیت بیشتر جنگ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (که از این پس آن را به اختصار جنگ ۵۳-د می‌نامیم)، در این مقاله صرفاً به اشعار نویافته منسوب به منجیک در این جنگ پرداخته

۱. رادویانی، صص ۱۰۸-۱۰۹. ۲. همان، ص ۷۲. ۳. نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، محمدتقی دانش‌پژوه، ص ۱۸۰. ۴. این کتاب توسط نگارنده گردآوری و تصحیح شده و به زودی به وسیله مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر خواهد شد. ۵. اصل: ای. ۶. اصل: حیب.

(جنگ ۵۳-د، ص ۴۳۹)

بیت زیر در جنگ ۵۳-د (صص ۴۴۰ - ۴۴۱) و عرفات العاشقین (ج ۶، ص ۳۸۷۷) پنجمین بیت از قصیده به مطلع «چه درّست آن به زیر لعل و شکر» است:

نبینی این جهان را چون بیاراست^{۱۱}
بهار از پرنیان کردار لشکر
همچنین این ابیات نیز در هر دو منبع، ابیات پایانی این قصیده‌اند:

نیاساید همی بر دشمنانشان
ز خندیدن لب و دندان اختر
الا تا زلف معشوقان نگون سار^{۱۲}
دوتا کرده همی^{۱۳} سرها چو چنبر
بجز مدح و ثناشان می‌نرانم^{۱۴}
زبان خامه را بر روی دفتر
ابیات زیر نیز ابیات تازه‌ای از قصیده به مطلع «خماریی که ز دیبای حمریست قباش» هستند که به استثنای این بیت:
مرا بنفشی رخسار ازان میانک اوست
به سان شاخ بنفشه سلاح کرده دوتاش
(عرفات العاشقین، ج ۶، ص ۳۸۸۱)

که فقط در عرفات العاشقین آمده و بیت ششم قصیده است، باقی ابیات در هر دو منبع ذکر شده‌اند.

بیت زیر در جنگ ۵۳-د (ص ۴۴۰) بیت نهم و در عرفات العاشقین (ج ۶، ص ۳۸۸۱) بیت دهم قصیده است:

چرا همی به خرد نشکنم^{۱۵} دو دست امید
ز گوهری که جهان را فرو سزد دریاش
این بیت نیز در جنگ ۵۳-د (ص ۴۴۰) بیت سیزدهم و در عرفات العاشقین (ج ۶، ص ۳۸۸۱) بیت چهاردهم است:
کجا به بخت رونده روان کند روزی^{۱۶}
به جوی دولت آب مراد چون آبش^{۱۷}
ابیات زیر نیز در هر دو منبع، (جنگ ۵۳-د ص ۴۴۰؛ عرفات العاشقین، ج ۶، ص ۳۸۸۱) ابیات پایانی این قصیده‌اند:
میان قبّه [به] انشادش^{۱۸} اینک آوردم
نیابد^{۱۹} این پسر جود تو مگر عذراش

آنکه آمد ز خرابه به سوی طارم رفت
زرد پوشید و برافکند سر زلف به گوش
خود به صدر اندر بنشین و رهی را بنشان
وز دل زیر [بر] انگیز به صد گونه خروش
تو به زر اندر و هنگام ما با بندگیت(?)
تو به زر شکر خریداری و من شکر فروش
(جنگ ۵۳-د، ص ۴۳۹)

نه بخت کوتاه داری، نه بخت منکسلان
نه قصد بیهده داری، نه رای منخلان^{۲۰} (?)
عداوت تو به دهر [اندر] افکند نکبات
سعادت [تو] به سنگ اندر افکند سیلان
چو تو نبیند چشم زمانه هرگز نیز
جهان اسیر تو و تو اسیر سنگ دلان
سپاه مژگانشان بر دلت مظفر گشت
چنانکه تیغ یمانیست^{۲۱} بر فلان و فلان
کجا دو زلفک^{۲۲} ایشان چه آن چشمک تنگ(?)
نه زهد نیکان ماند، نه صبر متکیان(?)
به نوک نیزه ربوده همه ز اوج خجند
به وعده کژ و به قد و به تیر معتدلان(?)
بقات خواهم تا چرخ را بقا باشد
عدوی دولت پیوسته از تو دل کسلان
جواب گفتم آن را که میر^{۲۳} طاهر گفت
مرا وفای کریمان و خیر محتملان
(جنگ ۵۳-د، صص ۴۳۸-۴۳۹)

علاوه بر اینها، به تازگی ابیات دیگری از این شاعر به دست آمده که مکمل اشعار پیش تر چاپ شده اوست و یا در جنگ ۵۳-د، یا در تذکره عرفات العاشقین، و یا در هر دو، موجود است؛ به این ترتیب:

بیت زیر در جنگ ۵۳-د سومین بیت از قصیده‌ای به مطلع «به منظر آمد باید که وقت منظر بود» است:
هزاردستان بر سرو و گل خروشان شد
چو عاشقی که سجله بکاست و درد فزود

۷. اصل: منخلان. ۸. اصل: یمانیست. ۹. اصل: زلفک. ۱۰. اصل: میز. ۱۱. جنگ ۵۳-د: نه بینی این جهان را چون جویبارست. ۱۲. همانجا: نگونسار. ۱۳. اوحدی: بدو. ۱۴. همانجا: می‌نیابم. ۱۵. همانجا: بشکنم. ۱۶. همانجا: کجا به بخت ز دیده رونده روان کند رودی. ۱۷. جنگ ۵۳-د: آماش. ۱۸. همانجا: انشاوش. ۱۹. جنگ ۵۳-د: نیامد؛ اوحدی: بیابد.

بقات خواهم چندان کجا بقا خواهد
درست شادان(؟) با^{۲۰} نعمتی که نیست فناش

همچنین دو بیت پیوسته در جنگ ۵۳-د (ص ۴۴۱)
موجود است که در تذکره عرفات العاشقین (ج ۶ ص ۳۸۸۲)
نیز با همان ضبط به چشم می‌خورند:

ای شمسۀ معالی، ای تاج روزگار
خود شاه، تا به آدم،^{۲۱} آبات شهریار
این مردک مقصر قیصر به خانه رفت
از مرکب پیاده و بر مدحت سوار

همه آهنگ او را دهر منجز^{۲۵}
لقای او به معنی قول باری
بقای دشمنان چون بیت راجز

دو بیت زیر نیز در جنگ ۵۳-د (ص ۴۴۱) به منجیک منسوب
شده، اما این ابیات به مسطی از منوچهری تعلق دارند^{۲۶}:

آمده بانگ خروس موذن می‌خوارگان
صبح نخستین نمود روی به نظارگان
که به کتف بر فکند چادر بازارگان
روی به مشرق نهاد خسرو سیارگان

منابع:

- اداره‌چی گیلانی، احمد، شاعران هم‌عصر رودکی، چاپ اول، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۰.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
- جنگ خطی، شماره ۵۳، محفوظ در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۳۳۹.
- دبیرسیاقی، محمد، پیشاهنگان شعر پارسی (سده‌های سوم و چهارم و آغاز سده پنجم هجری)، تهران: فرانکلین، ۱۳۵۱.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رادویانی، محمد بن عمر، ترجمان البلاغه، به تصحیح احمد آتش، استانبول: المعهد الشرقي، ۱۹۴۹.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۰.
- مدبری، محمود، شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳، ۴، ۵ هجری قمری، تهران: پانوس، ۱۳۷۰.
- منوچهری، احمد بن قوص، دیوان، به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، تهران: زوار، ۱۳۷۹.

قصیده‌دهبیتی زیر یکی دیگر از اشعاری است که در
جنگ ۵۳-د در میان اشعار منجیک آمده و بیت نهم آن نیز در
لغت‌نامه دهخدا (ذیل «منجز») به نام وی آمده است، اما این
ابیات متعلق به بدایعی بلخی (بدیع بلخی)^{۲۲} از شاعران معاصر
منجیک است که ظاهراً به اشتباه به منجیک نسبت داده شده
(جنگ ۵۳-د، صص ۴۳۹-۴۴۰):

هوا روی زمین را شد مطرز
به صافی آب دریا نی به قرمز
نفیر ابر فروردین برآمد
فتاد اندر سپاه گل هزاهیز
ز رنگ راغ، رنگ حله^{۲۳} حیران
ز بانگ زاغ، بانگ رود عاجز
بدان منگر که می‌نهی است، می‌خور
بوقت الورد شرب الراج جایز
نگاری باید اکنون خلخی‌زاد
به رخساره بت چین را مجهز
به بستان فضایل‌ها مهیا
به میزان بدیهستان مییز
همیشه نام او را آفرین جفت
همیشه عرض او را مال محرز
به گرد چرخ گردان جز به نیکی
برین صید از دل حاتم جوایز^{۲۴} (؟)
همه امرش به کام دل روان باد

۲۰. جنگ ۵۳-د: «با» بدون نقطه است. ۲۱. جنگ ۵۳-د و اوحدی: آدم و. ۲۲. نک: اداره‌چی گیلانی، ص ۱۶۹؛ دبیرسیاقی، صص ۱۷۵-۱۷۶؛ صفا، ج ۱، ص ۴۲۳؛ مدبری، ص ۵۰۴. ۲۳. اصل: جله. ۲۴. اصل: حوایز. ۲۵. اصل: موجز؛ تصحیح از ضبط دهخداست. ۲۶. نک: منوچهری دامغانی، ص ۱۷۹.

